

حامد سطنانی نژاد
عضو هیأت داورى بازار اوراق بهادار
و مدیر بورس منطقه‌ای کرج
ندا کاظمی و الناز خاکپور
کارشناسان مالی



ریشه‌یابی عوامل بروز بحران اقتصادی ۲۰۰۷-۲۰۰۹، در نقایص نظام نو لیبرالیسم همراه بانگ‌ساهی به تاثیرات این بحران بر اقتصاد کلان و بازار سرمایه ایران

۱- مقدمه

تبعات و اثرات اقتصادی و اجتماعی بحران اقتصادی اخیر چنان گسترده و تاثیرگذار بوده که علیرغم مباحث فراوان در این خصوص به نظر میرسد مجال پرداختن به آن نه با رویکردی معلول‌گرا بلکه با موردکاوی علل بروز، همچنان مجالى وسیع و نیازمند صرف وقت و تفکر بیشتر باشد. آمار جستجوهای صورت گرفته در خصوص بحران در سایتها و اخبار روزانه و گزارش پیامدهای آن در رسانه‌ها همگی بیانگر اهمیت و دغدغه خاطر مردم در این خصوص است و به نظر می‌رسد اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی به دنبال پوشش اثرات منفی آن بر زندگی خویش باشند. از آمار مربوط به تعطیلی پروژه‌های در دست اجرای خودروسازان بین‌المللی گرفته تا اخبار مربوط به مشاغل عجیب و غریب جدید میان مردم بعضی از جوامع، همگی به نوعی انعکاس دهنده این رویکرد می‌باشد. آنچه که امروزه بسیار می‌شنویم این جمله است که: «بحران اقتصادی اخیر ریشه در نظام‌های اقتصادی غربی و به خصوص نظام سرمایه‌داری دارد.» اما اینکه مختصات نظام سرمایه‌داری چیست و این نکته که ارتباط میان ساختارهای اقتصادی برآمده از این نظام و بحران اقتصادی اخیر چگونه قابل توجیه می‌باشد، موضوعی است که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. یکی دیگر از سوالاتی که اذهان فعالان بازار سرمایه را به خود مشغول داشته چگونگی

تاثیرپذیری بازار سرمایه ایران از این بحران و راهکارهای جبرانی جهت این آثار مخرب است که در این نگارش در ادامه بحث، نگاهی به این مسأله نیز داشته‌ایم. و در بخش پایانی نیز در حد بضاعت نویسندگان در خصوص راهکارهای مصون داشتن بازار سرمایه ایران از تبعات آتی بحران سخن گفته شده است.

۲- نظام اقتصادی سرمایه‌داری و بحران اقتصادی

در طول سه دهه اخیر، نظام سرمایه‌داری، نظام حاکم بر اقتصاد آمریکا بوده و رهبری بازار را در دست داشته است. سرمایه‌داری نظامی است برای تولید و تصاحب مازاد مبتنی بر خرید و فروش آزادانه‌ی نیروی کار در برابر دستمزدهایی که در بازار نیروی کار تعیین می‌شود. به بیانی دیگر، سرمایه‌داری نظامی اقتصادی است که در آن نوع ویژه‌ای از ساختار قدرت، روابط مالکیت، ایدئولوژی توجیه‌کننده و انواع و اقسام دیگر نهادهای اصلی و فرعی وجود دارد که در راستای کسب تولید مازاد و تصاحب آن فعالیت می‌نماید. تولید مازاد بدیهی‌ترین رکن نظام اقتصادی سرمایه‌داری است چرا که همین سرمایه مازاد است که شرط پویایی و بازتولید نظام اقتصادی و منشا ایجاد سود به شمار می‌آید. سرمایه‌ی مازاد تولید شده

می‌گیرد.

بنا بر این رشد مالی گرای به نوعی رشد بازار اعتبارات را به دنبال خواهد داشت، که این امر در بستری از بازار که در آن دخالت های دولت قادر به تاثیر گذاری نبوده و قوانین و مقررات نقش و جایگاهی نداشته باشد، عملی است. به عبارت دیگر، پیش شرط اقتصاد مالی گرایی بطور کلی قانون زدایی از بازار مالی و به طور خاص قانون زدایی بازار اعتبارات است. درست به همین دلیل است که بسیاری از اقتصاد دانان زمامداران قدرتهای اقتصادی بزرگ معتقد و معترفند که یقیناً بحران اقتصادی امروز امریکا ریشه در فلسفه سیاسی - اقتصادی نولیبرالیسم (سرمایه داری هژمونی طلب) حاکم بر دستگاه حکومتی دارد.

چرخه هژمونی نشان دهنده روند کلی رو به رشد نظام اقتصادی سرمایه داری است. روند اقتصادی دارای سیکل های رونق و رکود است که این فراز و فرودها به صورت ذاتی و جزء لاینفکی از سرمایه داری محسوب می شوند. با بررسی تاریخی روندهای اقتصادی این موضوع به سادگی قابل مشاهده است که هر دوره رونقی به نسبت افزایشی که در تولید ثروت بیش از ظرفیت بازار و ایجاد مازاد سرمایه ی غیر قابل کنترل در راستای فرایند تصحیح بازار دوره های رکود کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت را به دنبال داشته است. البته باید خاطر نشان شد که همواره در طول تاریخ، دولت ها با دخالت های خود توانسته اند عمق و طول موج مربوط به این سیکل ها را تشدید یا تضعیف کنند.

Deregulation - ۷

مجدداً سرمایه گذاری شده و در چرخه ی بازار رقابتی مورد مبادله قرار می‌گیرد. به دلیل وجود رقابت بین واحد های اقتصادی، نوسان های اقتصادی گریز ناپذیرند، نوساناتی که در صورت مهارنشدن و افسار گسیختگی مالی (به زعم جورج سوروس ۲) می‌توانند زمینه ساز ایجاد بحران های جدی در سطح کلان اقتصادی باشند. بروز این بحران ها به صورت ذاتی با ماهیت سرمایه داری مبتنی بر رقابت آزاد عجین است.

پی آمدهای نوسانات بی رویه در بازار های مالی جهان نخست در سال ۹۸-۱۹۹۷ به صورت فروپاشی بازارهای مالی شرق آسیا (از اندونزی تا کره جنوبی) و سپس در سال ۲۰۰۰ با ترکیدن حباب "اقتصاد نو" ۳ یا به اصطلاح اقتصاد «دات کام» ۴ و اکنون با ورشکستگی بانک ها و به دنبال آن ترکیدن حبابهای قیمتی ایجاد شده در بازارهای مالی در سراسر جهان تجلی یافته است.

۳- نقش مالی گرایی ۵ در بحران اقتصادی

به زعم برخی از اقتصاد دانان بحران اخیر بازار مالی امریکا نتیجه قابل پیش بینی روند مالی گرایی اقتصاد امریکا است که از نخستین سالهای دهه ۱۹۷۰ آغاز گردید. مالی گرایی بخشی از ایدئولوژی اقتصاد بازار آزاد سرمایه داری هژمونی ۶ طلب است که امکان رشد روز افزون بخش مالی اقتصاد را نه بر مبنای تولیدات واقعی بلکه با پول سازی بر مبنای تولیدات مجازی (پول سازی از پول) را از طریق بازار اعتبارات فراهم می کند. سرمایه ی مازاد موجود در بازار به وسیله ی ابزارهای مالی و اعتباری تولید شده و از طریق شبکه های مالی مورد معامله قرار

۲- Jourj Soros

۳- New Economic

۴- cam's Corporation

۵- Financialization

۶- هژمونی: Hegemony از واژه ی هژمون یونانی به معنای رئیس یا فرمان روا است و اشاره است به تسلط یا تفوق کشوری بر کشورهای دیگر از طریق دیپلماسی یا تهدید به اطاعت و یا پیروزی نظامی. با این حال این واژه اغلب به مفهوم مورد نظر "آنتونیو گرامشی" متفکر مارکسیست و نویسنده ایتالیایی به کار می‌رود که دلالت بر تسلط و استیلای یک طبقه نه فقط از جنبه اقتصادی بلکه از تمام جنبه های اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک دارد.

چرخه هژمونی نشان دهنده روند کلی رو به رشد نظام اقتصادی سرمایه داری است. روند اقتصادی دارای سیکل های رونق و رکود است که این فراز و فرودها به صورت ذاتی و جزء لاینفکی از سرمایه داری محسوب می شوند



در نظرها تداعی می کند که در ۱۹۳۳ تصویب شد. هدف از این لایحه جداسازی بانک های تجاری و شرکت های تأمین سرمایه بوده است. بانک ها و مؤسسات سرمایه گذاری ۱۰ که منشأ توزیع اعتبارند بسیار در معرض خطر قرار دارند.

اگر این مؤسسات با بانک های تجاری، که محل سپرده گذاری مردم عادی اند، ادغام شوند، آن گاه به دلیل آن که سپرده های مردم عادی نیز مبنای پرداخت اعتبار قرار می گیرد، ریسک موجود در نظام اعتباری به بخش واقعی اقتصاد نیز سرایت خواهد کرد. در طول دهه های اخیر تلاش زیادی از سوی وال استریت ۱۱ در راستای تضعیف این قانون صورت گرفت. از جمله ی این تلاش ها می توان به تصویب تبصره ی قانون «شرکت های مادر بانکی» ۱۲ مصوب ۱۹۷۰ اشاره کرد که به بانک های تجاری اجازه می داد از طریق شرکت های مادر، هم سپرده های مردم عادی را بپذیرند و هم وام های تجاری در اختیار سرمایه گذاران جویای اعتبار قرار دهند. در پی تلاش های مصرانه وال استریت و در طی چند مرحله، نهایتاً قانون جداسازی بانک های تجاری و بانک های سرمایه گذاری موسوم به «گلس استیگال» در سال ۱۹۹۹ به طور کامل ملغی شد.

۱۰- Investment banks

۱۱- Wall Street

۱۲- Bank Holding

۴- تاثیر مشهود مقررات زدایی بر بازارهای مالی

قانون زدایی و رهائی از مقررات بازار به تسریع در تولید ابزارها و فرآورده های جدید مالی و عرضه آنها در بازار اعتبارات منجر شده و در نهایت به رشد سریعتر بازار مالی می انجامد. اما نمی بایست دور از نظر داشت که همان فرآورده های مالی که با استفاده از کاهش مقررات، بازار مالی را بسوی پویایی و کسب حد اکثر سود ممکن سوق می دهند، ممکن است در اثر گسترش غیر قابل کنترل بازار اعتبارات چنان پر ریسک شوند که دیگر نه تنها کارایی سابق را ندارند بلکه وجودشان و به هم پیوستگی شان نقش کانالی برای سرایت و انتقال بحران های احتمالی را ایفا می کند.

فدرال رژیستر ۸ در پایان سال ۲۰۰۷، اقدام به چاپ ۷۳ هزار صفحه مقررات دولتی نمود که به معنای افزایش بیش از ۱۰ هزار صفحه ای از سال ۱۹۷۸ است. این موضوع بیانگر این است که نقش قوانین ناکارآمد در کنار حذف قوانین و مقررات زدایی در امر فراهم آوردن زمینه های بحران قابل تأمل است.

متأسفانه در نتیجه سه دهه مقررات زدایی از بخش اعتباری اقتصاد آمریکا بسیاری از نهاد های مالی دگرگون شدند. نگاهی گذرا به تاریخ بخش پولی و اعتباری آمریکا در قرن ۲۰، لایحه ی معروف «گلس - استیگل» ۹ را

۸- Federal Register

۹- Glass Steagall



ارزش بازار اعتبارات به دلیل تسهیل قوانین موجود در آن، بسیار بیش از ارزش آن چیزی است که می خواهد آن را تضمین کند که همین موضوع ریسک شکنندگی بازار اعتبارات را در بیشترین حد ممکن قرار میدهد.

۳-۵- قانون زدایی و تسهیل مقررات در بخش بانکهای امریکایی با کم رنگ نمودن استانداردهای وام دهی و اعتبار سنجی مشتریان

۴-۵- تقلب در رتبه بندی اوراق قرضه.

به دلیل حمایت های کنگره و دولت از دو شرکت غیر دولتی فانی می ۱۷ و فردی مک ۱۸، بسیاری از فعالان بازار این دو شرکت را هنوز دولتی تصور می کردند و حتی شرکت های ارزیاب نیز با توجه به حمایت های کنگره به اشتباه، اوراق قرضه بنجل و بسته های وام های رهنی این شرکت ها را در بالاترین درجه اعتباری (AAA) در نظر می گرفتند.

۵-۵- سرپوش گذاردن بر ریسک های موجود با استفاده از روش های نامعمول حسابداری و شفافیت زدایی.

۶-۵- شایع کردن عمدی اطلاعات نادرست

برخی افراد سعی بر این داشتند با متلاطم کردن وضع فعلی بازار از فرصت ایجاد شده استفاده کنند. این نوع فریبکاری می تواند از طریق اتخاذ موضع فروش ۱۹ یا فروش استقرای ۲۰ صورت گیرد.

در حال حاضر، اجماع نظری میان غالب اقتصاددانان مطرح دنیا در خصوص نقش پررنگ دولت در ایجاد شدن این بحران به وجود آمده است. دولت بادست کشیدن از وضع قوانین نظارتی کارا در بازارهای مالی وعدم دخالت در پیشگیری از روند مقررات زدایی قوانین موثر به نوعی زمینه ساز و عمق بخشنده بحران کنونی است.

۶-نحوه تاثیر پذیری بازار سرمایه ایران از بحران اقتصادی جهانی

علی رغم تفاسیر ذکر شده در رابطه با روند تاثیر گذاری بحران بر اقتصاد جهانی که بخش مالی، بخش واقعی اقتصاد را تحت تاثیر بحران زدگی خود قرار داده بود، در اقتصاد متکی بر نفت ایران بخش واقعی است که به دلیل تاثیر پذیری از بازارهای جهانی با کاهش رشد مواجه شده و لذا بازار سرمایه را تحت تاثیر خود قرار داده است. بازار سرمایه ی ایران هم در سطح بورس کالا و هم در سطح بورس اوراق بهادار، در تبعیت از وضع کنونی بخش واقعی اقتصاد با افت قابل توجه شاخص ها مواجه است. بازار سرمایه ایران به صورت مستقیم ارتباط چندانی

Fannie Mae - ۱۷

Freddie Mac - ۱۸

۱۹ موضع معاملاتی فروش Short Position: به موقعیت فردی که قرارداد فروش اوراق بهادر، کالا، ارز و مانند این ها را منعقد کرده، در حالی که فاقد آن است، اصطلاحاً short می گویند.

۲۰- فروش استقرای Short Selling: به فروش اوراق بهادار بدون اینکه فروشنده مالک آنها باشد اشاره می کند. در این معامله فروشنده به باور سقوط ارزش اوراق بهادار در آینده آنها را قرض گرفته و به قیمت حال به فروش میرساند تا پس از کاهش قیمت در آینده آنها را باز خرید کرده و به قرض دهنده مسترد دارد.

عامل دیگری که در بروز بحران اخیر تاثیر گذار بوده است، مشتقات مالی هستند که در بازار اعتبارات برای افزایش سودآوری، نقدینگی و حمایت از موسسات مالی به وجود آمدند. دو نوع از این مشتقات مالی یکی اوراق قرضه ی با پشتوانه ۱۳ و دیگری اوراق تضمین مبادله ای اعتبارات ۱۴ است. "اوراق قرضه ی با پشتوانه" نوعی از اوراق بهادار است که با انواع مختلفی از دارایی های دیگر تضمین می شود. شرکت های بزرگ مالی با استفاده از این نوع مشتق مالی، از وام های مسکنی که با سهل ترین شرایط داده شده بودند، به عنوان پشتوانه شروع به انتشار میلیاردها دلار اوراق قرضه نمودند و برای فروش به بازارهای مالی داخلی و خارجی عرضه کردند. در نتیجه ی خرید و فروش چنین اوراق بهاداری که دارای اعتبار سنجی درستی نبود، بسیاری از بازارهای مالی با انبوهی از اوراق قرضه ی بدون اعتبار مواجه شدند. وجود

ابزارهای اعتباری مانند بیمه های نکول اعتبار و اوراق با پشتوانه رهنی ۱۵ در وال استریت، سود بالا و ریسک زیادی را به بدنه اقتصاد آمریکا وارد کردند و در نهایت بخش اعتباری افسار گسیخته و کم نظارت، اقتصاد آمریکا را به ورطه بحرانی غیر قابل کنترل کشاند.

در حقیقت افزایش نسبت دارایی کاغذی به دارایی های واقعی و تولید پول بدون پشتوانه و بر مبنای تولیدات غیر واقعی موجب گردیده تا در شرایط فعلی بخش واقعی اقتصاد که می بایست متکی بر تولید و ارزش افزوده باشد، تحت تاثیر بخش غیر واقعی اقتصاد قرار گیرد.

۵- اهمیت دلایل ایجاد کننده

بحران اقتصادی

با توجه به موارد پیش گفته به طور کلی عمده دلایل بحران اقتصادی اخیر را می توان در

موارد زیر خلاصه کرد:

۵-۱- بحران به عنوان پی آمد جانبی « جهانی شدن».

از میان رفتن مرزهای مالی و اقتصادی کشورها، مؤسسات مالی عمده جهان و دیگر مؤسسات اقتصادی را در شبکه ای پیچیده از ارتباطاتی غرق کرده است که ناکامی هر یک از مؤسسات می تواند در قالب اثر دومینویی ۱۶ کل نظام مالی جهان را به مخاطره اندازد.

۵-۲- مقررات زدایی بازارهای سرمایه و افسار گسیختگی بازار های مالی و بازار اعتبارات.

۱۳- Collateral Debt Obligations

۱۴- Credit Default Swaps

۱۵- Mortgage-backed Security

۱۶- Domino Effect



کنند.

۵-۷- ایجاد سواد مالی ۲۲ در مردم به عنوان حلقه مفقوده ایجاد فرهنگ سرمایه‌گذاری و احساس نیاز به تملک دارایی مالی.

۶-۷- حفظ دامنه نوسان ۳٪ در بازار کشور و قانون حجم مینا که باعث شده تا افت شاخص شیب ملایم تری به خود بگیرد.

۷-۷- شفافیت بیشتر در عرضه‌ی شرکت‌های دولتی به طوری که تصمیمات و اطلاعات مربوط به آنها با برنامه‌ریزی صحیح در راستای کاهش ریسک سرمایه‌گذاران عمل کند.

۸-۷- بازسازی که می‌تواند باعث جلوگیری از کاهش قیمت سهام و عدم اعتماد شود.

۹-۷- الزام یا تشویق سهامداران نهادی به عدم پیروی از سهامداران خرد در عرضه سهام.

۱۰-۷- ترویج بیشتر سرمایه‌گذاری غیرمستقیم جهت متنوع‌سازی و کاهش ریسک.

۱۱-۷- بهره‌گیری از آموزه‌های فقه پویای اسلامی جهت اختراع ابزارها و بازارهای مالی با منشأ عقود اسلامی که همگی بر پایه تکیه بر دارایی واقعی استوار بوده و معاملات صوری را غیرمجاز می‌دانند.

۱۲-۷- ایجاد تنوع در سرمایه‌گذارها با تشکیل بین‌المللی اسلامی که سبب توزیع و خنثی شدن ریسک‌های کشوری شده و امکان بهره‌گیری از سرمایه‌ها و مزیت‌های نسبی کشورهای عضو را در کنار مزیت بهره‌گیری از ویژگی یک کاسه‌سازی ۲۳ منابع مالی موجود در این کشورها فراهم می‌آورد، که البته برنامه‌ای منسجم و بلندمدت را می‌طلبد.

۸- راه کارهای ارائه شده در مورد سیاست‌های کلان اقتصادی

۸-۱- استفاده از قراردادهای BOT :
با استفاده از قراردادهای BOT^{۲۴} که به معنای ساخت، بهره برداری و انتقال پروژه‌های مختلف می‌باشد و یا دیگر انواع این قراردادها همچون ساخت - انتقال (BT)، ساخت - اجاره - انتقال (BLT)، ۲۵، انعقاد قراردادهای مدیریتی و اعطای نمایندگی به بخش خصوصی می‌تواند روش مناسبی برای افزایش فعالیت بخش خصوصی در پروژه‌های صنعتی و زیرساخت

۲۲- Financial Literacy

۲۳- Pooling

۲۴- Build-operate-transfer

۲۵- Build- lease-transfer

با بازارهای بین‌المللی ندارد اما کاهش قیمت‌های جهانی محصولات چون نفت و فلزات اساسی و در نتیجه کاهش قیمت محصولات شرکت‌هایی که سهام آنها در بورس عرضه می‌شود، در شرایط رکود جهانی، به شدت کاهش پیدا کرده و به همین دلیل سود آنها نیز کاهش یافته است. طبیعی است که در چنین وضعیتی قیمت سهام این شرکت‌ها در ایران نیز کاهش پیدا کند و همین موضوع علت اصلی ادامه روند نزول شاخص‌ها بوده است. با توجه به موارد فوق الذکر به دلیل تبعیت بخش مالی و بورس از بخش واقعی اقتصاد، راه خروج از بحران بازار سرمایه نیز در گرو خروج بخش‌های حقیقی اقتصاد ایران از این معضل است. تاثیرات بالقوه و بالفعل بحران اقتصادی بر بازار سرمایه ایران را میتوان در موارد زیر خلاصه کرد:

۶-۱- اولین تاثیر بحران در اوایل زمستان ۸۷، اثرات روانی و بی‌اعتمادی‌های ایجاد شده نسبت به آینده بورس بود. بروز این نگرانی‌ها باعث ایجاد صف‌های طولانی فروش سهام شد و سهامداران برای جلوگیری از ضررهای احتمالی تصمیم به فروش سهام نمودند.

۶-۲- کاهش سودآوری شرکت‌های بورسی همانطور که پیش‌بینی می‌شد، اتفاق افتاد. بحران از طرق مختلفی بر میزان سودآوری شرکت‌ها تاثیر می‌گذارد، دسته‌ای از شرکت‌ها مجبور به تعیین قیمت‌های رقابتی در مقابل قیمت محصولات وارداتی هستند، دسته‌ای دیگر که قیمت محصولاتشان بر اساس قیمت‌های جهانی تعیین می‌شود مثل قیمت مس و فولاد که به بورس فلزات لندن ۲۱ وابسته است، نیز با کاهش تقاضا مواجه شدند و در نهایت شرکت‌هایی نظیر شرکت‌های سرمایه‌گذاری که پرتفوی از سهام‌های مذکور را دارند همین روند را تجربه نمودند.

۶-۳- با عنایت به کاهش حجم پول در بازار بورس توازن میان تقاضاهای خرید و فروش سهام برهم خورده و به نظر می‌رسد باید پذیرش و عرضه شرکت‌های جدید یا به تعویق افتد و یا اینکه عرضه‌ها با قیمت‌های پایین‌تر از ارزش ذاتی تعیین گردند تا روند تصحیح قیمتی مورد انتظار سرمایه‌گذاران را در بر داشته باشد.

۶-۴- تاخیر در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و در عرضه‌های خصوصی سازی.

۶-۵- تعویق در بازپرداخت اقساط بلوک‌های واگذار شده.

۷- راه حل‌های پیشنهادی جهت خروج بازار سرمایه ایران از بحران با حداقل تاثیرپذیری

۷-۱- حمایت از تولیدکنندگان داخلی در مقابل محصولات وارداتی و ایجاد محدودیت‌های ویژه در کالاهای غیر ضروری و دارای مشابه داخلی.
۷-۲- حمایت از صادرکنندگان.

۷-۳- طرح‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاران خارجی و اصلاح مقررات تا تامین منابع برای راه اندازی طرح‌های گوناگون راحت‌تر شده و فعالیت در بخش‌های مختلف اقتصادی پویاتر گردد.

۷-۴- در عرضه‌های عمومی اولیه، بر روی شرکت‌ها و صنایعی تمرکز شود که کمترین تاثیر را از بحران کنونی می‌پذیرند. بعلاوه در واگذاری‌ها با پیشنهاد قیمت‌های جذاب سرمایه‌گذاران را به قبول ریسک موجود مجاب

۲۱- London Metal Exchange

که به دنبال محلی امن برای سرمایه گذاری و جوه سرگردان خویش هستند. نالتاً بسیاری از بخش ها هستند که می توان آنها را از معافیت های مالیاتی خارج نمود یعنی به طور کلی علاوه بر کمیت به کیفیت توسعه نظام مالیاتی نیز بها داده شود.

با برداشتی آزاد از منابع زیر:

- ۱- سازمان خصوصی سازی (۱۳۸۰)، «بررسی روند خصوصی سازی با تأکید بر تجربه ایران (چالش ها و فرصت ها)»
- ۲- آشوری، داریوش. دانشنامه سیاسی «فرهنگ و اصطلاحات و مکتبهای سیاسی». انتشارات مروارید، تهران.
- ۳- دکتر حسین نمازی (۱۳۸۴) «نظامهای اقتصادی». شرکت سهامی انتشار چاپ سوم ویرایش جدید
- ۴- ژوزف لاژوژی (۱۳۵۵) «نظامهای اقتصادی»، ترجمه شجاع الدین ضیائی، انتشارات دانشگاه تهران
- ۵- ف.م. جوانشیر، (۱۳۵۸)، «اقتصاد سیاسی»
- ۶- جرج رایزمن، «اقتصاد لسه فر»، ترجمه پریسا کتیری، روزنامه دنیای اقتصاد ۱۳۸۷/۹/۲۵
- ۷- ناصر فکوهی، «مریخی های وال استریت»، روزنامه کارگزاران روز دوشنبه ۸ مهر ۱۳۸۷
- ۸- محمد صادق الحسینی، «بحران مالی آمریکا و چند نکته». روزنامه دنیای اقتصاد. آبان ۸۷
- 9- Paul M. Sweezy, "More (or Less) on Globalization" Monthly Review ۴۹, no ۴ September, 1997.
- 10 - George Soros, "The New Paradigm for Financial Markets" Public Affairs™, United States, 2008.

های کشور، هم با توجه به بحران اقتصادی کنونی و هم در راستای اجرایی شدن سیاست های بندج اصل ۴۴ قانون اساسی کشور در راستای تسریع روند خصوصی سازی فراهم آورد.

۲-۸- انتشار اوراق قرضه بین المللی:

با انتشار اوراق قرضه یا به عبارت دیگر به نحوی اوراق مشارکت در سطح بین المللی می توانیم از سرمایه های سرگردان مردمی که حتی جرات نگه داشتن پول خود در بانک ها را نیز ندارند جهت تامین منابع مالی مورد نیاز استفاده کنیم. در شرایط نامن و بحران زده کنونی اقتصاد در جهان، انتشار اوراقی با تضمین از سوی دولت می تواند انگیزش و جذابیت های فراوانی داشته باشد. از طرف دیگر با توجه به نرخ بهره در جهان و مقایسه آن با نرخ داخلی بهره، هزینه دستیابی به پول برای دولت جهت پیش برد اهداف و سیاست های کلان اقتصادی، حتی از انتشار اوراق مشارکت در داخل کشور ارزان تر بوده و می تواند جهشی در سرعت اجرای طرح های عمرانی در کشور را فراهم آورد. نوع نگاه در این بخش باید از نوع بلند مدت بوده و به خرید دارایی های سرمایه ای و همچنین ایجاد و توسعه زیربنای اقتصادی چون راه ها، راه آهن ها، کانال ها، سدها، شبکه ها و یا حتی به معنای گسترده آن در بخش تربیت افراد تحصیل کرده، تکنیسین ها، کارگران فنی و متخصص بکار گرفته شود که این امر با آغاز خروج از وضعیت رکود، در سرعت رشد اقتصادی جهشی چشمگیر و خیره کننده ایجاد نماید. چرا که سرمایه گذاری در زیربنای اقتصادی، اولین شرط توسعه و رشد اقتصادی است و امکانات سرمایه گذاری های بعدی بخش خصوصی را فراهم می کند. که البته بهره گیری از این راهکار مستلزم ارزیابی دقیق از تاثیرات میان مدت و بلندمدت بحران بر اقتصاد ما می باشد.

۳-۸- تامین بخش اصلی بودجه دولت از طریق اجرایی کردن قوانین مالیاتی:

با مقایسه اعداد و ارقام تامین بودجه دولت ها از طریق مالیات های دریافتی به شکاف عمیق این نرخ ها در داخل و خارج از کشور بر می خوریم. در شرایطی که در بعضی کشورها تا حدود ۷۰٪ بودجه دولت از این طریق تامین می گردد این رقم در کشور ما به حدود ۳۰٪ می رسد، در حالی که پی گیری این روش و اجرایی کردن آن نه تنها هزینه زیادی به دنبال ندارد بلکه یک درآمد دائمی ایجاد می نماید و همچنین با توجه به اینکه بر مبنای ماده دوم قانون برنامه چهارم توسعه، دولت مکلف است سهم اعتبارات هزینه های تامین شده از محل درآمدهای غیرنفتی را به گونه ای افزایش دهد که در پایان برنامه پنجم توسعه، اعتبارات هزینه ای دولت به طور کامل از طریق درآمدهای مالیاتی و غیرنفتی تامین شود. در این راستا با توجه به اینکه در شرایط کنونی نمی توان انتظار افزایش مالیات های دریافتی را از طریق سودآوری شرکت ها در سال های آتی داشت، اولاً با توجه به قوانین موجود باید جلوی فرار مالیاتی گرفته شود، ثانیاً با اصلاح قوانین موجود برای تشویق سرمایه گذاری های خارجی در کشور می توان میزان مالیات دریافتی را افزایش داد زیرا در شرایط بحران کنونی حاکم بر اقتصاد جهانی شرکت هایی وجود دارند

